



The legacy of two decades of American presence in Afghanistan: The heavy costs of the people of Afghanistan and the region

Bahadur Aminian ¹



Research Paper

Received:
2023-11-18
Revised:
2024-01-15
Accepted:
2024-04-30
Published:
2024-04-30

ISSN: 2538-1857
E-ISSN: 2645-5250



Abstract

America's strategies in the realization of the new world order at the beginning of the 21st century have had long-lasting and destructive effects, especially for Muslim countries. America started its plan to realize its global hegemonic structure by attacking and occupation of Afghanistan. Like the superpowers before it that occupied Afghanistan, America also did not have a detailed understanding of the people and conditions of Afghanistan and the fluid and complex relations of power in Afghanistan. America tried to mobilize its allies, including NATO and some countries in the region, and by relying on military power, Take control of this geostrategic region. The control of this bridgehead could provide the United States with an effective pressure lever to influence developments in Central Asia, the Middle East, and South Asia, and also put pressure on the main competitors, especially Russia, China, and the Islamic Republic of Iran. But things went in a different direction.

Keywords: Politics of Occupation; Nation Building; Hegemony; Afghanistan; Taliban.

1. Corresponding author: Associate Professor, Faculty of International Relations, Ministry of Foreign Affairs, Tehran, Iran
bahaminain@hotmail.com
DOR: 20.1001.1.25381857.1403.17.62.3.8





مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۷
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۵
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۲/۱۱

شابا چاپی: ۲۵۳۸-۱۸۵۷
الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۲۵۰



میراث دو دهه حضور آمریکا در افغانستان: هزینه های سنگین مردم افغانستان و کشورهای منطقه

بهادر امینیان

چکیده

نتایج حضور بیش از دو دهه آمریکا در افغانستان نتیجه‌ای بجز تخریب بنیان‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی افغانستان ایجاد نکرد و با استقرار فساد گسترده مالی و ناکارآمدی زمینه را برای بازگشت طالبان به قدرت مساعد نمود. امروزه وضعیت افغانستان بسیار اسف بار است و مردم آن کشور با دادن صدها هزار کشته و مجروح و میلیون‌ها نفر آواره با وضعیت فلاکت بار اقتصادی و اجتماعی روبرو هستند و آمریکا با گروگان گرفتن مردم افغانستان و فشارهای اقتصادی و تحریم می‌کوشد منویات خود را در افغانستان حاکم نماید. این سیاست تاثیرات مخربی برای منطقه و به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران داشته است. آواره شده میلیون‌ها نفر از اتباع فلاکت زده افغانستان و ورود قانونی و غیرقانونی بین ۶ تا ۸ میلیون از آنها به ایران بخشی از تاثیرات مخرب سیاست‌های آمریکا در افغانستان است. در این مقاله با روش تحلیل داده‌های منتشره توسط خود نهادهای آمریکایی و بررسی وضعیت به جا مانده از حضور دو دهه اشغال افغانستان به هزینه سنگینی که این وضعیت بر مردم افغانستان و کشورهای منطقه تحمیل کرده است پرداخته می‌شود. همچنین با بررسی دلایل و ابعاد مسولیت‌های آمریکا در ایجاد این وضعیت به تحلیل وضعیت کنونی و راهکارهای پیش رو پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: سیاست اشغال، ملتسازی، هژمونی، افغانستان، طالبان

۱. نویسنده مسئول: دانشیار، دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران bahaminain@hotmail.com

DOR: 20.1001.1.25381857.1403.17.62.3.8



© نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

با آغاز قرن بیست و یکم، آمریکا در سودای ایجاد نظم نوین جهانی و استقرار یک ساختار هژمونیک دست به یک سلسله اقدامات پرمه‌ای زد که تأثیرات مخرب و وحشتناکی در بسیاری از مناطق و به‌ویژه در کشورهای اسلامی داشت. سرآغاز این برنامه‌ها حمله به افغانستان و اشغال این کشور بود. آمریکا همانند ابرقدرتهای پیش از خود که افغانستان را اشغال کرده بودند با سهل‌انگاری و عدم شناخت دقیق منطقه و مردم افغانستان و عدم فهم مناسبات پیچیده و سیال قدرت با بسیج متحدین خود از جمله در ناتو و برخی از کشورهای منطقه و با اتکا بر قدرت نظامی کوشید این منطقه ژئواستراتژیک را در کنترل خود بگیرد. کنترل این سرپل می‌توانست اهرم فشار موثری برای تأثیر بر تحولات آسیای مرکزی، خاورمیانه و آسیای جنوبی در اختیار آمریکا قرار دهد و همچنین رقبای اصلی به‌ویژه روسیه چین و جمهوری اسلامی ایران را تحت فشار قرار دهد. افغانستان اولین حلقه از تحقق سیاست‌های آمریکا در به کارگیری نیروی نظامی بود که قرار بود قرن آمریکایی و نظم نوینی البته این بار بر پایه یکجانبه‌گرایی آمریکایی را پایه‌گذاری نماید. البته پس از افغانستان سیاست اشغال و مداخله آمریکا به سایر کشورها هم سرایت کرد. عراق، لیبی، سوریه و یمن حلقه‌های بعدی مداخله آمریکا بود. نتیجه دخالت‌های مستقیم و غیر مستقیم نظامی آمریکا در کشورهای مختلف که بر اساس روحیه خودبرتر بینی و بدون استراتژی و شناخت مشخص از آن مناطق بوده با همدیگر شباهت دارد. مجموعه فلاکت‌های به هم پیوسته نتیجه این مداخله بود. به هم ریختن سامان جامعه، هزینه کرد میلیاردها دلار، افزایش فساد، ناکار آمدی و عنم مشروعیت، شکست پروژه‌های خیالی ملت‌سازی، گسترش افراط‌گرایی، بردن کشور در ورطه فروپاشی، ناامنی، افزایش آلام و درد مردم، مهاجرت و کشتار مردم، تشتت منطقه‌ای، تحمیل هزینه‌های متعدد به مردم آن کشور، به کشورهای منطقه و به کل منطقه، تلاش برای خصوصی‌سازی جنگ بخشی از این نتایج محسوب می‌گردد. با وجود این حجم گسترده فلاکت در هیچ مورد آمریکا به نتیجه مدنظر نرسیده و در نهایت نتیجه آمریکا آنست که چگونه خود را از باتلاق خودساخته‌های بگذرد.

اکنون و پس از دو دهه مشخص شده است که هزینه هنگفت آمریکا در ایجاد نظم جهانی و هزینه سنگینی که آن کشور بر مردم کشورهای هم‌چون افغانستان، عراق، لیبی، سوریه، یمن،

ایران و تحمیل کرد نه تنها دستاورد مثبتی در ارتقای نقش آمریکا نداشته بلکه به ورشکستگی آمریکا و در نهایت عقب‌نشینی شرمسارانه آن کشور منجر گردید. البته این بخش تمام مساله را منعکس نمی‌سازد. سیاست‌های آمریکا در منطقه آثار دیرپایی برای کشورهای منطقه داشته است و تحت تاثیر سیاست‌های خانمان برانداز آمریکا در منطقه، به سامان رسیدن این منطقه با چالش‌های جدی روبرو شده است. افغانستان پس از دو دهه تجربه تلخ تحت اشغال بودن امروزه فقیر و درمانده رها شده است و مهندسی اجتماعی وعده داده شده توسط آمریکا در پروژه ملت‌سازی تنها به انهدام زیرساخت‌های مادی و معنوی جامعه منجر شده و افغانستان مجدداً تحت کنترل طالبان درآمده است. این کانون فقر و بحران هزینه‌های سنگینی به‌ویژه بر همسایگان تحمیل می‌نماید. در مقاله دیگر مستقیماً به هزینه‌های سنگین این وضعیت برای ایران و راهکارهای پیش رو برای ایران خواهیم پرداخت ولی در این مقاله کوشیده می‌شود تا در پاسخ به این سوال که آمریکا چه مسولیتی در مورد نتیجه دو دهه اشغال افغانستان دارد و چرا این وضعیت در افغانستان بوجود آمده است دلایل به‌وجود آمدن وضع موجود در افغانستان و مسولیت آمریکا در ایجاد این تراژدی بیان گردد. با وجود اینکه در تبیین این مساله باید فرایند تاریخی مورد توجه قرار گیرد ولی نهایت تلاش انجام شد تا در تاریخ گذشته محدود نشده، از تاریخ و توصیف عبور گردد و بیشتر به تحلیل، وضعیت کنونی و آینده پرداخته شود.

در این چارچوب از تجارب مستقیم و میدانی، مباحث راهبردی مرتبط و قابل انتشار، منابع کتابخانه‌ای، ادبیات علمی قابل اتکا در معجم دانشگاهی و علمی در ایران و در سطح بین‌المللی و همچنین از آثار علمی منتشره مربوط در کشور افغانستان استفاده شده است. در این مقاله ضمن بهره‌گیری از تجارب میدانی و منابع کتابخانه‌ای از نظرات کارشناسان مرتبط از طریق مصاحبه هم بهره‌برده شده است و روش مقاله عمدتاً توصیفی تحلیلی است.

چارچوب مفهومی

نظریه‌های مختلفی را می‌توان در تبیین سیاست‌های آمریکا در منطقه به کار گرفت ولی یکی از مهمترین نظریه‌هایی که قدرت تبیین‌کنندگی بیشتری در این مورد دارد نظریه واقع‌گرایی تهاجمی است. نظریه پردازانی همانند جان میرشایمر، فرید ذکریا و اریک لیس از معروفترین نظریه پردازان این دیدگاه هستند (فتحی، ۱۳۹۹: ۸۴۰). این دیدگاه بیان می‌کند که خاصیت آنارشیک

سیستم بین الملل به معنای فقدان قدرت فائقه تنظیم کننده روابط کشورها و قدرت مانع تجاوز به دیگران همه کشورها را به این نتیجه می رساند که برای حفظ امنیت خود و همچنین تحمیل سیاست‌های خود به دیگران باید قدرت بیشتری در اختیار داشته باشند. این نتیجه گیری بدبینانه و ایجاد فضای ناامنی آنها را وامی دارد تا حد امکان قدرت خود را توسعه داده و اجازه ندهند سایر قدرتها توان بازیگری مستقل را در اختیار داشته باشند. کشورها از مقاصد سایر بازیگران اطمینان خاطر ندارند و این مساله باعث می شود تا قدرتها برای امنیت خود و همچنین برای توسعه منافع همواره در صدد استیلا و تحمیل اراده خود بر دیگران باشند. آنها می کوشند با محاسبات عقلانی روشهایی در پیش گیرند تا دیگران را کاملا تحت تاثیر قرار دهند. مجموعه این محاسبات باعث می شود قدرتهای بزرگ همواره بر توان نظامی و توان تهاجمی خود متکی باشند و در حالت تهاجمی و توسعه دامنه قدرت و نفوذ خود باشند (متقی، ۱۳۸۹: ۱۰). میرشایمر این وضعیت را تراژدی سیاست قدرتهای بزرگ می نامد. وی در این مورد می نویسد: "این جسنجوی بی وقفه قدرت به آن معناست که قدرتهای بزرگ در پی یافتن فرصت هایی برای تغییر نحوه توزیع قدرت جهانی به نفع خود می باشند." (میرشایمر، ۱۳۸۹: ۳). بر اساس این ایده قدرتهای بزرگ در چنین فضایی به دنبال افزایش تا حد امکان توان نظامی و کسب برتری مطلق و هژمونی هستند (آجیلی، ۱۳۹۷: ۱۶۷). فرید ذکرینا نیز به عنوان یکی از رئالیستهای تهاجمی معتقد است که دولتها در شرایطی که به شکلی فزاینده ثروتمند میشوند به ایجاد ارتشهای بزرگ مبادرت میورزند، خود را درگیر مسائل خارج از مرزهایشان میکنند و به دنبال افزایش نفوذ بینالمللی خود میروند. (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۱۳۰) در نتیجه این تجزیه و تحلیل، رئالیسم تهاجمی قدرتهای بزرگ را همچون قدرت طلبانی بی رحم به تصویر می کشاند (میرشایمر، ۱۳۸۸: ۲۴).

بر اساس این توضیحات می توان رفتار آمریکا در افغانستان برای توسعه قدرت و کنترل کامل بر افغانستان و منطقه را تبیین نمود و این مساله در سرتاسر این مقاله قابل مشاهده است.

پیشینه پژوهش

در مورد سیاست و عملکرد آمریکا در افغانستان منابع متعددی به زبانهای فارسی و انگلیسی منتشر شده است. همچنین به دلیل اینکه در طول دو دهه گذشته مساله افغانستان در صدر اولویتهای بسیاری از کشورها قرار داشته و کشورهای متعددی عملا در آن کشور درگیر بوده اند

این مساله در مجامع علمی در کشورهای اروپایی و آمریکا، ایران و افغانستان مورد توجه جدی بوده است. لیست بلند بالایی از منابع در این موضوع وجود دارد که پرداختن به آنها و تحلیل آنها به فرصت بیشتری نیاز دارد. در این بخش تعدادی از آنها به عنوان نمونه ذکر می‌گردد و سپس تمایز این نوشته با آنها بیان می‌گردد. با توجه به سنت دانشگاهی در آمریکا، منابع متعددی در نقد سیاست‌های آمریکا در افغانستان منتشر شده است. کریگ وایت لاک در کتاب جنگ پنهان (وایت لاک، ۱۴۰۲) اسناد ارزشمندی در اختیار محققان قرار میدهد. انتشار این اسناد نتیجه نبرد طولانی و شکایت‌های حقوقی متعدد در داخل آمریکا برای گرفتن مجوز انتشار حدود هزار مصاحبه محرمانه با افراد عمدتاً آمریکایی دخیل در جنگ افغانستان و صدها یادداشت وزارت دفاع، تلگرافهای وزارت خارجه و سایر گزارشهای دولتی آمریکا می‌باشد (وایت لاک، ۱۴۰۲:۳۸۵). این کتاب نشان میدهد که جنگ خسارت بار و طولانی افغانستان اشتباه ناامیدکننده آمریکا بوده که دولتهای مختلف آمریکا در طول بیست سال به طور پیوسته حقایق آن را از مردم پنهان نگاه داشته اند. اهمیت این کتاب تا حدی است که بلافاصله پس از انتشار آن به طور همزمان در ایران سه ترجمه متفاوت و سه انتشار متفاوت از آن انجام گرفته که در فهرست منابع ذکر شده است.

مایکل هستینگز در کتاب ژنرالها می‌کوشد پشت پرده جنگ آمریکا در افغانستان را روایت کند. (هستینگز، ۱۴۰۱) این کتاب با مصاحبه با فرماندهان نظامی آمریکا در افغانستان ابعاد واقعی این جنگ را ترسیم کرد که این روایت تکان دهنده پیامدهای گسترده ای داشت. این کتاب به پر فروش ترین کتاب نیویورک تایمز تبدیل شد و برخی رسانه ها نوشتند که نویسنده به مرگ تهدید شد. و در نهایت بر اساس نوشته مقدمه ویراستار همین کتاب نویسنده چند ماه پس از انتشار کتاب طی تصادف بسیار مشکوکی در آمریکا به قتل رسید (هستینگز، ۱۴۰۱: ۱۵)

اسماعیل روشنگر کارشناس افغانستانی نیز در کتاب چاپ کابل خود با عنوان استراتژی نظامی آمریکا در افغانستان کوشیده است ابعاد مختلف استراتژی آمریکا در طول سالهای متوالی در افغانستان را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. (روشنگر، ۱۳۹۶) این کتاب کوشیده چارچوبهای کار علمی را مراعات نماید و تحولات و تاثیرات استراتژی نظامی آمریکا را بررسی نماید ولی با توجه به آنکه در چارچوب ساختار دولت همراه آمریکا تحلیل نموده کمتر توانسته است ابعاد انتقادی را وارد نماید و بیشتر در حد توصیف محدود مانده است.

منابع ذکر شده و همچنین دهها منبع مشابه هر یک ابعاد ارزشمندی از موضوع را روشن می‌سازند ولی تفاوت نوشته حاضر آنست که علاوه بر آنکه به دلیل فاصله گرفتن از خوابیدن گرد و غبار این هیاهوی گسترده، توانسته نگاه کلی تر و دقیقتری داشته باشد بلکه ویژگی مهمتر آنست که تجربه مستقیم و عینی و انتقادی یک دیپلمات ایرانی را به ترسیم می‌کشد که خود در جریان مستقیم و یا غیر مستقیم بسیاری از موارد ذکر شده قرار داشته است.

پیچیدگی افغانستان

از دید بازیگران خارجی صحنه افغانستان صحنه ساده و قابل تصرفی به نظر می‌رسد. بر اساس این تصور اشتباه در طول سه قرن گذشته سه ابرقدرت دوران خود به این نتیجه رسیدند که بدون آنکه متحمل هزینه سنگینی شوند می‌توانند این منطقه مهم و بکر را در کنترل خود بگیرند. انگلستان در قرن نوزدهم، اتحاد جماهیر شوروی در قرن بیستم و ایالات متحده آمریکا در قرن بیستویکم با این برآورد و احساس درک و شناخت دقیق محیط، افغانستان را اشغال کردند. هر سه ابرقدرت با وجود موفقیت سریع اولیه ولی با بحران، فاجعه، هزینه‌های کمرشکن و تلفات سنگین در باتلاق این کشور گرفتار شدند و هر سه مجبور شدن با پرداخت هزینه‌های فوق العاده و شکست و شرمساری از این کشور فرار نمایند. هر سه کشور اشغالگر بر اساس این اشتباه محاسباتی و عدم درک پیچیدگی‌های کشور، علاوه بر آنکه به هیچیک از اهداف و منافع طراحی شده خود نرسیدند، خود هزینه‌های مادی و معنوی سنگینی را پرداخت کردند. همچنین هزینه‌های سنگین بر کشور و مردم افغانستان و منطقه تحمیل کردند و تاثیرات مخرب غیرقابل جبرانی همچون کشتار گسترده، آوارگی انبوه، به هم ریختگی اجتماعی و نابودی بنیان‌های اقتصادی کشور و از بین بردن مبانی فرهنگی اجتماعی و امید مردم را بر جای گذاشتند.^۱

۱. بی بی سی در ۱۰ دسامبر ۲۰۱۹ در مورد اسناد منتشره جنگ می‌نویسد: در میان این ۲۰۰۰ صفحه سند که واشنگتن پست آنها را روز دوشنبه، نهم دسامبر یکجا منتشر کرده مصاحبه‌های فراوانی به درک نادرست برنامه‌ریزان آمریکایی از واقعیات جامعه افغانستان اشاره دارد. ریچارد کرامر، از مسئولان ارشد سابق امور افغانستان در موسسه "موقوفه ملی برای دموکراسی" به "خشک مغزی و یک دندگی مقام‌های آمریکایی درگیر جنگ افغانستان هم اشاره کرده و آن را هم یک دلیل اساسی شکست در افغانستان برشمرده است." همه ما نیت‌مان خوب بود... اما در میان ما فراوان بودند کسانی که از خود متشکر و بسیار مغرور و مطمئن از دانسته‌های خود بودند. آنها بر اصول تجارت آزاد اصرار داشتند و همین موجب شده بود که ما از درک واقعیت و ایجاد توازن میان ایده‌ها و واقعیت‌ها باز بمانیم و به نیاز واقعی افغانستان بی‌توجهی کنیم".

<https://www.bbc.com/persian/afghanistan-50722928>

علاوه بر حضور مستقیم ابرقدرتها افغانستان در دهه های گذشته شاهد تحمیل اشکال حکومتی، ایدیولوژیها و مکاتب مختلفی بوده که عمدتاً با فشار و هزینه خارجی به کشور تحمیل شدند و مدتی افغانستان را صحنه یکه تازی خود کردند. پادشاهی، جمهوری، حاکمیت نظامیان، سوسیالیسم، کمونیسم، مجاهدین، اسلام‌گرایی سنی، دمکراسی وارداتی، لیبرال دمکراسی و حکومت‌های وابسته غربی نمونه‌هایی از این اشکال و مکاتب تحمیلی هستند که همه آنها در عمل با شکست روبرو شدند.^۱ دلیل اصلی شکست این مکاتب و اشکال حکومتی نیز عدم درک و شناخت پیچیدگی‌های افغانستان بوده است. از این رو افغانستان به آزمایشگاه شکست ایدیولوژی‌ها و مکاتب نیز معروف است.

تحلیل دلایل این پیچیدگی و بغرنج بودن مسایل افغانستان نیاز به بحث مستقلی دارد که ابعاد مختلف این مساله را تدوین نماید و با توجه به محدودیت فضا در این مقاله به ذکر کلیات آنها بسنه می‌شود. موقعیت جغرافیایی خاص افغانستان و ریشه داشتن در چندین منطقه خاورمیانه، خراسان بزرگ، آسیای مرکزی، چین، شبه قاره و آسیای جنوبی باعث شده که تاثیر و تاثر متقابلی بین هر یک از این مناطق و افغانستان شکل بگردد. این تعامل و رفت و آمد باعث می‌شود تا ابعاد مسایل افغانستان را از محیط جغرافیایی محدود افغانستان فراتر برود. همچنین متناسب با این پیوند جغرافیایی در هر یک از این بخش‌های افغانستان، قومیتی مستقر است که در مناطق جغرافیایی ذکر شده تداوم نیز دارد و هیچیک از این قومیت‌ها حائز اکثریت نیز نیستند. بسیاری از آنها در محدوده افغانستان احساس در اقلیت بودن می‌کنند و بیشتر با قومیت هم نژاد خود دران سوی مرز احساس پیوند می‌کنند. هر یک از این قومیت‌ها زمینه‌ای برای حضور و نفوذ آن کشور خارجی نیز هستند. بنابراین تنوع و توازن قومیتی در افغانستان از دلایل دیگر پیچیدگی صحنه سیاست افغانستان است. پنج قوم اصلی افغانستان هر یک در سایر کشورها تداوم دارند؛ پشتون‌ها در پاکستان تداوم دارند، تاجیک‌ها در تاجیکستان تداوم دارند و ازبک‌ها در ازبکستان و ترکمن‌ها در ترکمنستان تداوم دارند. هزاره‌ها نیز به دلیل شیعه بودن و تاجیک‌ها به دلیل زبان پارسی نوعی پیوند و

۱. لازم به توضیح است که در عرض چند دهه حدود ده نوع نظام کاملاً متفاوت به صورت پی در پی در افغانستان حاکم شدند: حکومت پادشاهی، حکومت کودتایی، حکومت جمهوری، حکومت کودتایی کمونیستی، حکومت دست‌نشانده مستقیم دخالت شوروی، حکومت مجاهدین، حکومت امارت اسلامی طالبان اول؛ حکومت بر اثر اشغال آمریکا، حکومت جمهوری اسلامی و مجدداً امارت اسلامی طالبان.

همبستگی با ایران دارند. هر چند ترکیه نیز نوعی ادعای هم پیوندی قومی و زبانی با هزاره‌ها، ترکمنها و ازبک‌ها دارد. مساله مهم در این رابطه آنست که فرآیند ملت‌سازی در افغانستان در مراحل اولیه آن قرار دارد و هنوز قومیت‌ها، طوایف، قبایل و نژادها بازیگر تعیین کننده هستند و رقابت‌های قومی و نژادی و طایفی بر مسایل ملی اولویت دارند. بازیگران غیر دولتی همانند گروه‌های اسلامی، تروریستی و افراط‌گرا نیز در این صحنه پراشوب از فقر، بیسوادی و نابسامانی‌های جامعه بهره برده و خود را به جامعه تحمیل کرده‌اند. گروه‌های مافیایی مواد مخدر، قاچاق مواد مخدر و انسان نیز در این خلا و بی‌سامانی و با تکیه بر توان اقتصادی بالا به عنوان یک بازیگر قدرتمند عمل می‌کنند. رهبران قومی و همچنین فرماندهان سابق گروه‌های نظامی که به عنوان جنگ سالاران از آنها نام برده می‌شد نیز بازیگران داخلی مهمی شده بودند. این افراد بتدریج به مراکز متصل به بازیگران خارجی و یا ساختار قدرت داخلی تبدیل شدند و با تکیه بر رانتهای متعدد داخلی و خارجی و در فضای به شدت فاسد مالی به تدریج نوعی امپراطوری مستقل مافیایی شکل دادند. آنها مراکز قدرت و تصمیم‌گیری را در چنته خود در آورده بودند و حتی قدرتهای خارجی نیز به آنها وابسته بودند.

یکی دیگر از دلایل مهم پیچیدگی افغانستان تنوع و تاثیر گسترده بازیگران خارجی است. به دلایل جغرافیایی و استراتژیک افغانستان می‌تواند سرپل موثری برای دخالت و نفوذ بر تعداد زیادی از تاطق مهمی همانند آسیای مرکزی، ایران، روسیه، چین، آسیای مرکزی فراهم کند. این مزیت فوق العاده و محیط ساده و سهل الوصول همواره کشورهای دیگر را وسوسه می‌کند تا در این محیط دخالت کنند و نفوذ داشته باشند. در طول دهه‌های اخیر اغلب بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای به انحاء مختلف درگیر مساله افغانستان شدند، در آن نیروی نظامی داشتند و یا هزینه‌های سنگینی در آن انجام دادند. انگلیس، شوروی و سپس روسیه، آمریکا، ناتو، تعداد بسیار زیادی از کشورهای اروپایی، چین، هند، کشورهای عربی (به ویژه عربستان، امارات متحده عربی و قطر)، ترکیه، پاکستان، ایران، ترکیه، کشورهای آسیای مرکزی و حتی ژاپن و کره جنوبی حضور بسیار پررنگ و پرهزینه‌ای در افغانستان داشته‌اند.^۱

۱. در مورد حضور پر تعداد کشورها و بازیگران خارجی در صحنه سیاسی افغانستان در مقاله دیگری مفصل بحث کرده ام که در مرحله چاپ است.

هر یک از این بازیگران از محیط داخلی افغانستان اقدام به یارگیری کرده‌اند و این تقاطع متعدد بازیگران داخلی و خارجی محیط بسیار پیچیده و بغرنجی را ایجاد کرده است. دو عامل مهم دیگر نیز در رابطه با بازیگران خارجی بر پیچیدگی این پازل در هم تنیده افزوده است. اهمیت افغانستان و ویژگی‌های آن به گونه‌ای است که تا در بسیاری از موارد حتی از یک کشور خاص بازیگران متعددی در داخل افغانستان دخالت دارند. به طور مثال از طرف آمریکا، وزارت دفاع، سیا، وزارت خارجه و وزارت خزانه‌داری هر یک تقشی مستقل داشتند و سیاست خاصی را دنبال می‌کردند که در بسیاری از موارد یکسان نبود. همچنین دستگاه اطلاعاتی پاکستان سیاستی مستقل از وزارت خارجه این کشور دنبال می‌کرد.^۱ هر یک از این نهادها همچنین مستقلاً اقدام به یارگیری از بازیگران داخلی می‌نمودند.

مساله مهم بعدی در این چارچوب آنست که در برخی موارد بازیگران خارجی اختلافات بین خود را به صحنه داخلی افغانستان می‌کشاند و آنجا را به صحنه تسویه حسابهای بین خود تبدیل می‌کنند. به طور مثال پاکستان و هند درگیری و رویارویی مستقیمی در افغانستان داشته‌اند. حمله به کنسولگری‌های هند و همچنین کشته شدن اتباع هند در افغانستان و همچنین حمایت گسترده از سیاستمداران ضد پاکستانی از طرف هند یکی از جلوه‌های این رویارویی است. همچنین کشته شدن سفیر و ۵ دیپلمات امارات متحده عربی در افغانستان^۲ به کشور قطر نسبت داده شد (طالبان مسولیت این حمله که در قندهار رخ داد را نپذیرفته) و سفیر قطر در افغانستان نیز از بیم اقدامات انتقامی خود را در شدیدترین تدابیر امنیتی قرار داده بود. همچنین شهادت دیپلماتهای ایرانی در مزارشریف را به رقابت‌های منطقه‌ای نسبت داده‌اند. آمریکا (به‌ویژه نهادهای مرتبط به وزارت

۱. شایع است که از طرف ایران نیز نهادهای مستقل متعددی در افغانستان عمل می‌کردند.

2. <https://www.aa.com.tr/fa/%D8%A7%D9%81%D8%BA%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86%D8%A7%D9%85%D8%A7%D8%B1%D8%A7%D8%AA-%DA%A9%D8%B4%D8%AA%D9%87-%D8%B4%D8%AF%D9%86-5-%D8%AF%DB%8C%D9%BE%D9%84%D9%85%D8%A7%D8%AA-%D8%AE%D9%88%D8%AF-%D8%AF%D8%B1-%D8%A7%D9%81%D8%BA%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86-%D8%B1%D8%A7-%D8%AA%D8%A7%DB%8C%DB%8C%D8%AF-%DA%A9%D8%B1%D8%AF/724704>
<http://irdiplomacy.ir/fa/news/1967115/%D9%85%D8%B1%DA%AF-%D8%B3%D9%81%DB%8C%D8%B1-%D8%A7%D9%85%D8%A7%D8%B1%D8%A7%D8%AA-%D8%AF%D8%B1-%D8%A7%D9%81%D8%BA%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86>

خزانه داری) نیز در طول بیست سال حضور خود در افغانستان، همیشه رویکرد ضد ایرانی را در راس اولویت‌های خود قرار داده بود و همواره نگران اقدامات ویرانگر ایران علیه خود در افغانستان بود. تقاطع این تعداد زیاد بازیگران داخلی و همچنین بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی و یارگیری بازیگران خارجی از صحنه داخلی، صحنه پر آشوب، پویا، پیچیده و متنوعی در افغانستان ایجاد کرده است.

دلایل اشغال افغانستان توسط آمریکا

آمریکا در اکتبر ۲۰۰۱ به افغانستان حمله کرد و این کشور را اشغال نمود و تا آگوست ۲۰۲۲ در افغانستان درگیر بود و طولانی‌ترین جنگ تاریخ آمریکا را رقم زد. حمله به افغانستان و اشغال این کشور گرچه با بهانه حضور القاعده و مبارزه با تروریسم انجام شد ولی همانگونه که در مقدمه و بخش مفهومی این مقاله نیز توضیح داده شد این مساله در چارچوب طرح آمریکا برای توسعه نفوذ و استقرار نظام هژمونیک جهانی تحقق پذیرفت و اهدافی و راه‌های اهداف اعلانی داشت.

موقعیت ژئواستراتژیک افغانستان این فرصت را برای قدرت مسلط بر آن فراهم میساخت تا بتواند ابزار موثری علیه ایران، روسیه و چین در اختیار داشته باشد. این سه منشا اصلی مقاومت در برابر استقرار نظام هژمونیک را کنترل نماید، بر منطقه آسیای مرکزی تاثیر بگذارد و تحولات شبه قاره (هند و پاکستان) را در اختیار بگیرد. همچنین با حضور مستقیم و موثر در منطقه همجوار خاورمیانه آمریکا می‌توانست با توان نظارت و کنترل اقیانوس هند، خلیج فارس و تنگه هرمز خلا از دست دادن ایران به عنوان ژاندارم منطقه را خود پر کند و تاثیر تعیین کننده بر جریان جهانی نفت داشته باشد. همچنین امکان تحقق بهتر طرح خاورمیانه بزرگ را فراهم سازد (روشنگر، اسماعیل، ۱۳۹۶: ۱۶۵). بر اساس ارزیابی‌های استراتژیست‌های آمریکایی افغانستان کشوری غیر عرب بود، پیروزی و تحول در آن آسانتر بود و افغانستان کشوری فاقد قدرت مرکزی بود که طالبان حاکم در آن از مشروعیت منطقه‌ای و جهانی برخوردار نبود (ندیری، مجتبی مسیح، ۱۳۹۸: ۱۶۳). بنابراین سرپل بسیار مناسبی برای تحقق نظم جهانی آمریکایی محسوب می‌گردید. همانگونه که در بخش پیشین هم توضیح داده شد این سهل انگاری افغانستان و عدم فهم پیچیدگی‌های این منطقه بار دیگر یک ابرقدرت را وسوسه کرد تا آن را به اشغال درآورد.

آمریکا کوشید با اشغال افغانستان و اعمال پر قدرت سیاست‌های خود این کشور را کاملاً در کنترل گرفته و همانند پایگاه مستحکمی در این منطقه بسیار استراتژیک از آن بهره بگیرد. این سیاست تا جایی پیش رفت که در سال ۲۰۱۴ پیمان استراتژیک امنیتی دفاعی بین افغانستان و آمریکا امضا شد و افغانستان تحت اشغال، رسماً متحد و پایگاه آمریکا گردید. بر اساس این سند استراتژیک آمریکا این موارد را قانونی و تثبیت نمود: تاسیسات نظامی، تثبیت حضور دراز مدت، حق استفاده از سراسر قلمرو افغانستان، استفاده از مالکیت‌های منقول و غیر منقول، مدیریت کردن کلیه عملیاتهای نظامی، معافیت‌های مالیاتی نیروها و تاسیسات نظامی، حاکمیت بر شبکه‌های مخابراتی، حاصل کردن حق کاپیتالسیون (نذیری، مجتبی مسیح، ۱۳۹۸: ۲۲۰)

فرجام اشغال افغانستان

در طول دو دهه گذشته آمریکا مساله افغانستان را با اشغال این کشور به طور کامل در اختیار خود گرفت. آمریکا با ادعای ملت‌سازی ساخت اجتماعی و اقتصادی افغانستان را به هم ریخت ولی نتوانست هیچ اقدام مثبت و سازنده‌ای انجام دهد و تنها نابسامانی جامعه را افزایش داد. نابسامانی در استراتژی آمریکا در افغانستان و سرگردانی بین اهداف امنیتی با عنوان اقدامات ضد تروریستی و اهداف بلند پروازانه مهندسی اجتماعی در قالب برنامه‌های ملت‌سازی مشکلات متعددی در افغانستان ایجاد کرد (Snider, 2022:402).

واشنگتن با پشتیبانی از جنگ سالاران و پرداخت میلیاردها دلار زمینه فساد گسترده را در افغانستان مساعد ساخته است. نسخه‌یی از یک‌گزارش پنتاگون که در ۶۵ برگ که از سوی شبکه خبری بلومبرگ به نشر رسیده نشان می‌دهد که فساد گسترده در افغانستان توسط ایالات متحده آمریکا شکل گرفته است. بر اساس این گزارش، واشنگتن با حمایت جنگ سالاران، کار با پیمان‌کاران خصوصی آلوده به فساد و پرداختن میلیاردها دلار آمریکایی به آنان زمینه‌ساز گسترش فساد اداری در افغانستان به حساب می‌رود.^۱ در طول این دو دهه آمریکا نه تنها مشکلی از مسایل افغانستان حل نکرد بلکه مشکلات متعددی بر این کشور افزود و کلاف سردرگم افغانستان را پیچیده تر ساخت، با کارنامه‌ای بسیار سیاه مجبور به گریز از این کشور گردید و در نهایت افغانستان را مجدداً تسلیم

1. <https://www.bloomberg.com/news/articles/2014-04-29/afghanistan-corruption-fostered-by-u-s-pentagon-found>

طالبان کرد. این فرآیند آنقدر غیر منتظره رخ داد که تعدادی از تحلیلگران آن را توطئه ای از جانب آمریکا می دانند تا از طریق حفظ کانون بحران کشورهای منطقه به ویژه ایران و چین و روسیه مجبور به پرداخت هزینه‌های سنگین گردند. حتی اگر این نظریه توطئه را قبول نکنیم ولی سیاست‌های آمریکا در طول دو دهه گذشته مسبب ایجاد وضعیت نابسامان کنونی افغانستان است و آمریکا نمی تواند مسولیت خود در این رابطه را نفی نماید. سیاست‌های آمریکا در این دو دهه به گونه‌ای بود که حتی پیش از کنترل طالبان بر سرتاسر افغانستان، کل مردم افغانستان از آمریکا و گروه‌هایی که در سایه اشغال آمریکا بر این کشور حاکم بودند ناامید شده بودند. در آن دوران افغانستان جزو فاسدترین، نا امن ترین و بی سوادترین کشورهای دنیا طبقه بندی می شد و همچنین این کشور بالقوه ثروتمند جزو فقیرترین کشورهای دنیا محسوب می شد.^۱

در حالیکه پیش از اشغال افغانستان توسط آمریکا و پیش از آن توسط شوروی، افغانستان کشوری محسوب می شد که به اشکال سنتی می تواند تا حدی خود را اداره نماید و آمار نشان می دهد که در دهه ۱۹۷۰، افغانستان ۲۰ درصد محصولات باغی جهان را تولید می کرد. اما اشغال، تمام زیربنای این جامعه را منهدم کرد. تخریب سیستم آبیاری، کمبود تسهیلات، تخریب شبکه حمل و نقل جاده‌های و روستایی که همه در نتیجه جنگ حادث شده، علت این مهم هستند. در نتیجه سیاست‌های آمریکا فقر، بیکاری، بیسوادی، ناامیدی و حاکمیت مافیای فاسد کل کشور را فلج کرده بود و به همین دلیل طالبان بدون کوچکترین مقاومتی از طرف مردم موفق به تسخیر سرتاسر افغانستان در مدت کوتاهی شدند. در حالیکه مقامات آمریکایی ادعا می کنند در این دو دهه هزاران میلیارد دلار در افغانستان هزینه کردند و به ویژه صدها میلیارد فاکتور برای تسلیح و آموزش ارتش این کشور از جیب مردم آمریکا گرفته‌اند ولی نه تنها هیچ اقدام توسعه‌ای در این

۱. سیف الدین سیحون، استاد اقتصاد دانشگاه کابل می گوید: آمریکائیان، چرخه فساد را در افغانستان نهادینه کردند و رابطه دو جانبه فساد پروری را به وجود آوردند. رابطه دو جانبه فساد پروری وجود دارد اینها در کشورهای عقب مانده هم بخشی از فساد هستند. <http://parstoday.com/dari/news/uncategorised-i10003>

رئیس جمهور کرزی: به انتقاد آمریکا از فساد اداری در افغانستان؛ فقط می خندم

<https://www.avapress.com/fa/news/66403/%D8%A7%D9%86%D8%AA%D9%82%D8%A7%D8%AF-%D8%A7%D9%85%D8%B1%DB%8C%DA%A9%D8%A7-%D9%81%D8%B3%D8%A7%D8%AF-%D8%A7%D8%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C-%D8%A7%D9%81%D8%BA%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86-%D9%81%D9%82%D8%B7-%D9%85%DB%8C-%D8%AE%D9%86%D8%AF%D9%85>

کشور انجام نشده و کلیه زیرساختها نابود شده و در حالت ابتدایی است بلکه حتی ارنش این کشور نتوانست و یا نخواست حتی در یک جبهه در مقابل پیشروی طالبان مقاومت اندکی نماید (Snider, 2022: 407).

کارنامه فاجعه بار آمریکا در این دو دهه ارقام وحشتناکی را دارا می باشد. این ارقام تنها عدد نیست هر عدد یک انسان، یک امید و یک نسل است. در این مدت بیش از ۴۰۰ هزار غیرنظامی افغانستان کشته شدند (همچنین ۲۴۰۰ سرباز آمریکایی، ۳۸۰۰ نفر از پیمانکاران آمریکایی و ۱۱۴۰ نفر از سربازان ناتو هم کشته شدند)، بیش از یک میلیون از مردم زخمی شدند، بیش از ده میلیون از اتباع افغانستان مجبور به ترک کشور شدند و حدود ۵ میلیون نفر در داخل کشور آواره شدند. بر اساس برآورد وزارت دفاع آمریکا بیش از ۲۳۰۰ میلیارد دلار هزینه این جنگ شد.^۱ گزارش بازرس ویژه بازسازی افغانستان (SIGAR) که خود دولت آمریکا برای بررسی فجایع افغانستان تهیه کرده بخش وحشتناکی از این کارنامه را منعکس می نماید.^۲ این گزارشها صراحتاً نشان می دهند که در برخی موارد مانند فساد اقتصادی واقعا اوضاع بدتر شده است. بر اساس نظر تحلیلگران یکی از سیاست‌های اشتباه آمریکاییان بعد از اشغال، تحمیل قراردادهای سنگین و

1. <https://watson.brown.edu/costsofwar/figures/2021/human-and-budgetary-costs-date-us-war-afghanistan-2001-2022>

2. Special Inspector General for Afghanistan Reconstruction (SIGAR)

در سایت رسمی این سازمان (<https://www.sigar.mil/>) که به بخش نظامی آمریکا وابسته است آمده، که سیگار نهاد عالی دولت آمریکا برای بازسازی افغانستان است. کارمندان سیگار موظف هستند تغلب، اتلاف منابع و سوء استفاده را افشا کنند و برای تصمیم‌گیران تحلیل‌های مستقل که آنها برای تصمیم‌گیری در این مساله پیچیده سیاست خارجی ایالات متحده نیاز دارند فراهم سازد. گزارشهای این نهاد که برای کنگره، وزارت دفاع، و سایر نهادهای تصمیم‌گیر تهیه می شود و پس از مدتی هم منتشر می شود حاوی نکات بسیار تکان دهنده از تغلب، سوء استفاده و سیاست‌های غلط و فاجعه آمیز آمریکا و نهادهای آمریکایی در افغانستان می باشد که در پایگاه اطلاع رسانی این نهاد یافت می گردند. به‌طور مثال:

جان سپکو، بازرس کل آمریکا در امور بازسازی افغانستان (سیگار) اظهار کرد، حامیان مالی خارجی، افغانستان را بیشتر از آنچه که بتواند پول‌ها را برای بازسازی جذب کند، مملو از پول می کند و این باعث بدتر شدن فساد و دامن زدن به درگیری در افغانستان شده است. این اظهارات جان سپکو، بعد از آن مطرح شد که بانک جهانی در یک ارزیابی از نحوه مدیریت صندوق بازسازی افغانستان (ARTF) انتقاد کرد. سیگار دریافته که نظارت چندانی بر نحوه صرف کمک ۱۰ میلیارد دلاری که ۳۴ کشور و آژانس خارجی از سال ۲۰۰۲ تاکنون به افغانستان اعطا کرده‌اند و اینکه این پول‌ها کجا هزینه شده وجود نداشته است. همچنین بانک جهانی نیز گفته که قادر به ارزیابی دقیق تاثیر این پول‌ها نبوده است. سپکو به خبرگزاری فرانسه گفت: سوءمدیریت پول‌های صندوق بازسازی افغانستان نشان دهنده مشکلات کلی مربوط به کمک‌های چندین میلیارد دلاری خارجی برای بازسازی افغانستان از سال ۲۰۰۱ تاکنون است. او گفت: این گزارش یک هشدار برای جامعه بین‌المللی محسوب می‌شود.

پرهزینه به دولت افغانستان بود به گونه‌ای که کابل از پس پرداخت آن بر نمی‌آید. این مسأله در کنار نظارت ضعیف بر عملکرد خود نیروهای اشغالگر بودند که به اسم قراردادهای امنیتی، دارایی دولت را غارت می‌کنند. SIGAR در گزارشش سه تهدید اصلی را در اوضاع افغانستان، ناامنی گسترده، فساد اقتصادی همه‌گیر و توانمندی‌های ضعیف در سیاست‌گذاری داخلی دانسته است. دولت برای مقابله با فساد تلاش می‌کند اما چندان نتیجه نمی‌گیرد و این مسأله مشروعیت و اقتدارش را زیر سؤال می‌برد.^۱ گزارش سال ۲۰۱۶ بانک جهانی نشان می‌دهد که افغانستان یکی از بدترین حکومتها در جهان در شش زمینه مسئولیت‌پذیری، ثبات سیاسی و عدم خشونت، ناکارآمدی حکومت، کیفیت قانونگذاری، حکومت قانون و کنترل فساد می‌باشد (World Bank, 2016) نیز در گزارش سال ۲۰۱۵ خود افغانستان را سازمان شفافیت بین‌المللی یکصدوشصت و ششمین کشور جهان پس از کره شمالی و سومالی در میان ۱۶۸ کشور جهان از نظر فساد حکومتی قرار داد.

بر اساس یک برآورد دیگر حدود ۲ هزار میلیارد دلار بیشتر نیز تا سال ۲۰۵۰ باید در آمریکا هزینه کهنه سربازان این جنگ (و جنگ عراق) شود. میزان هزینه‌های این جنگ تا حدی بود که آمریکا مجبور به قرض گرفتن شده و حدود ۵۰۰ میلیارد دلار هم سود این قرض را پرداخته است.^۲ نتیجه این همه هزینه و تلفات برای مردم افغانستان آن بود که علاوه بر کشته و مجروح شدن حدود یک و نیم میلیون نفر، و آواره شدن حدود ۱۵ میلیون نفر در داخل و خارج و تباه شدن دو نسل و امید مردم، اکنون بیش از نیمی از مردم از سو تغذیه رنج می‌برند و افغانستان بیش از ۸۰ درصد تریاک دنیا را تولید می‌کند. بر اساس آمار سال ۲۰۱۴ حدود ۳۳ درصد از جمعیت ۳۰ میلیونی افغانستان یعنی ۹/۳ میلیون نفر از ناامنی غذایی رنج می‌برند. از این تعداد، ۳/۴ میلیون نفر) ۱۲ درصد (در ناامنی غذایی شدید و ۵/۹ میلیون نفر) ۲۱ درصد (در ناامنی غذایی متوسط قرار

^۱<https://nationalinterest.org/blog/middle-east-watch/america-cant-solve-afghanistans-corruption-problems-52977>

^۲<https://www.bloomberg.com/news/articles/2016-09-14/afghanistan-s-corruption-corrodes-efforts-by-u-s-watchdog-says>

۲. سیگار در گزارش آگوست ۲۰۲۱ خود نتیجه‌گیری می‌کند که وزارت دفاع آمریکا ۸۳۷ میلیارد دلار در طول بیست سال گذشته در آسیای مرکزی (عمدتاً برای افغانستان) هزینه کرده است. اگر ۱۴۵ میلیارد دلاری را که دولت آمریکا برای "تلاش‌های ملت‌سازی در افغانستان" اختصاص داده است و همچنین سایر هزینه‌های عمده (از جمله هزینه نگهداری کهنه سربازان) را محاسبه کنیم رقم به بیش از ۲ تریلیون دلار می‌رسد.

<https://www.farsnews.ir/en/news/14000613000227/Repr-Washington%27s-20-Years-f-Wars-n-Terr-Cs-%24-Trillin-929-000-Lives>

دارند. ۴۰/۹ درصد کودکان زیر ۵ سال افغانستان دچار سوء تغذیه‌اند و لذا این کشور یکی از بالاترین سطوح سوء تغذیه کودکان را در جهان دارد (Programme Food World ۲۰۱۶). نرخ فقر از ۳۶ درصد در ۲۰۱۲ به ۳۹ تا ۴۰ درصد در ۲۰۱۴ افزایش یافت. در سال ۲۰۱۶ افغانستان از نظر شاخص‌های اقتصادی، در میان ۱۸۹ کشور جهان در ردیف ۱۷۷ قرار گرفت. بدترین نتیجه آن بود که این مردم امید به آینده را از دست دادند.^۱

تعامل آمریکا با طالبان در دوران جمهوری:

آمریکا پس از ناتوانی در تقابل با طالبان تلاش کرد آنها را مدیریت نماید. قطر به درخواست آمریکا دفتر سیاسی طالبان را در دوحه افتتاح کرد و از سال ۲۰۱۳ آمریکا با دفتر سیاسی طالبان در تماس مستقیم بوده است. تماس‌هایی که به معاهده صلح در سال ۲۰۲۰ منجر گردید. در طول این مدت آمریکا به شدت نگران بود که کشورهایی می‌توانند طرح‌های آمریکا و این روند سازش با طالبان را تخریب نمایند. بیشترین نگرانی آمریکا نقش ایران بود (Verma 2022: 265). در طول این سال‌ها آمریکا کوشید با ایجاد بحران برای ایران در افغانستان توجه ایران و سایر بازیگران را از روند صلح خود منحرف سازد. در طول این سالها جریان‌های مشکوک در داخل افغانستان با بزرگنمایی فشار بر مهاجرین افغانستان در ایران جو روانی بسیار شدید را ایجاد می‌کردند. همچنین جریان‌هایی نیز در داخل ایران با دامن زدن به جو افغان‌هراسی به این مساله دامن می‌زدند. در طول ماه‌های منجر به امضای قرارداد صلح آمریکا و طالبان این جریان شدت بیشتری گرفت و در مواردی به فراخوان و تجمع در برابر سفارت ایران در کابل منجر گردید که گروه‌های مشکوک و مشخص بر سر مسایلی همانند غرق شدن تعدادی از اتباع افغانستان در مرز ایران و یا حتی تصادف منجر به فوت یک یا دو تبعه افغانستان در ایران در جریان قاچاق انسان، فراخوان‌های گسترده برای تجمع در برابر سفارت ایران می‌دادند و با وجود جمع شدن تعداد انگشت شمار افرادی که پول می‌گرفتند تعداد دو یا سه برابر انسان‌ها، دوربین تلویزیونی این رخداد را پوشش می‌دادند و تا روزها شبکه‌های تلویزیونی و شبکه‌های اجتماعی را تحت تاثیر قرار می‌دادند و از این طریق طراحی شده بود تا ضمن تحت الشعاع قراردادن واقعه مهم در حال رخداد توافق آمریکا و طالبان ایران را نیز منفعل نمایند.

1. <https://www.irna.ir/news/84460881>

روابط آمریکا با طالبان در دوران به حاکمیت رسیدن طالبان:

قبل از روی کار آمدن طالبان در افغانستان، آمریکا به شکل افتضاح آمیزی از افغانستان خارج شد. گرچه از سال ۲۰۲۱ دیگر نیروی آمریکایی در افغانستان حضور ندارند ولی آسمان افغانستان همچنان در کنترل آمریکا باقی مانده و همواره هواپیما و یا پهپادهای آمریکایی به ماموریت‌های شناسایی و در مقیاس بسیار کمتر عملیاتی خود ادامه می‌دهند.

از زمان برگشت طالبان به حکومت در ۲۰۲۱ نیز آمریکا در ابعاد سیاسی، امنیتی و اقتصادی با طالبان در ارتباط بوده است. در طی دو سال گذشته آمریکا با یک سیاست چماق و هویج تلاش نموده افغانستان را در گروگان خود نگاه دارد. از یک طرف با تحریم طالبان اجازه حضور دیگران را کنترل می‌کند و همچنین حدود ۷ میلیارد دلار سپرده بانک مرکزی افغانستان را مسدود کرده است و از طرف دیگر از زمان به حکومت رسیدن طالبان، آمریکا به اصلی‌ترین تامین‌کننده منابع مالی حکومت طالبان تبدیل گردید. تنها در سال ۲۰۲۱ حدود ۷۷۰ میلیون دلار به صورت نقد در اختیار طالبان قرار داد و به علاوه حدود ۵۰ میلیون دلار به عنوان کمک به زلزله زدگان به طالبان تحویل داد.^۱ بر اساس گزارش نهاد بازرسی کل برای بازسازی افغانستان (سیگار^۲)، آمریکا تا دو سال پس از زمان روی کار آمدن طالبان، حدود ۲/۱ میلیارد دلار در قالب کمک‌های انسان دوستانه به افغانستان کمک کرده است و در بودجه سال ۲۰۲۴ نیز دولت بایدن مبلغ ۱۴۳ میلیون دلار برای کمک به افغانستان درخواست کرده است.^۳

طالبان به امید آزادسازی ۷ میلیارد دلار خود در مذاکرات آمریکا تلاش می‌کند. همچنین اعمال محدودیت سفر مقامات طالبان بر اساس قطعنامه ۱۲۶۷ شورای امنیت سازمان ملل متحد و دادن اجازه‌های موردی امکان کنترل بیشتر طالبان را برای آمریکا فراهم می‌سازد و همچنین بر اشتیاق طالبان بر مصالحه با آمریکا می‌افزاید.

مبادله زندانی‌ها و همچنین اجازه دادن به خروج شهروندان افغانستان که تابعیت آمریکا را نیز دارند و یا در طول این سال‌ها برای آمریکا کار می‌کرده‌اند از دیگر مسایل مورد مذاکره دو طرف است (Thomas, 2023: 6). هر چند مقامات آمریکایی بیان داشته‌اند که نیروهای نظامی آمریکا توانسته‌اند از ۱۵ تا ۳۰ اوت ۲۰۲۱ (۲۵ مرداد تا ۹ شهریور ۱۴۰۱) حدود ۱۲۴ هزار نفر را در

1. <https://epc.ae/en/details/featured/the-us-taliban-relations-interests-challenges-and-prospects>

2. the Special Inspector General for Afghanistan Reconstruction (SIGAR)

3. SIGAR, "Quarterly Report to the United States Congress," April 30, 2023.

بزرگترین عملیات تخلیه انسانی هوایی در طول تاریخ آمریکا به نام عملیات پناه متحدین^۱ از افغانستان خارج سازد. این تعداد شامل ۵۳۰۰ نفر از شهروندان آمریکا، دیپلمات‌های آمریکایی و همچنین دیپلمات‌های برخی کشورهای دیگر نیز می‌باشد.^۲ این بزرگترین عملیات تخلیه هوایی انسانی، زمانی انجام شده بود که نیروهای طالبان پس از خروج همه نیروهای نظامی آمریکایی از افغانستان، موفق شدند دفعتاً وارد شهر کابل شده و نظام تحت حمایت آمریکا در افغانستان را ساقط ساخته و زمام امور را در دست بگیرند. در این تحول بزرگ تاریخی، نهادهای امنیتی و نظامی دولت پیشین افغانستان از بین رفتند. با اعلان عملیات تخلیه هوایی صدها هزار نفر از اتباع افغانستان به فرودگاه کابل هجوم آوردند و تمام تاسیسات فرودگاه کابل منهدم شد. تنها بخش فعال در این مدت در کابل، بخش پایگاه نظامی آمریکا بود که آمریکا با توافق با طالبان آن بخش پایگاه هوایی نظامی کابل را فعال نگاه داشتند و صدها هواپیمای نظامی و غیر نظامی را از سراسر جهان به کابل آورده و این تعداد انسان را در چند روز از کابل به پایگاه‌های آمریکایی و برخی فرودگاه‌های منطقه منتقل کردند.^۳

با پایان پذیرفتن عملیات رسمی تخلیه انسانی، آمریکا به برنامه انتقال شهروندان خود از افغانستان و همچنین نیروهای مزدور و همکاران افغانستانی ادامه داد. از آن زمان ۱۳۰۰۰۰ نفر از اتباع افغانستان،

1. Operation Allies Refuge

2. <https://www.state.gov/briefings/department-press-briefingaugust-15-2022/>; White House, "U.S. Withdrawal from Afghanistan," April 6, 2023

۳. در زمان وقوع این تحول بزرگ در ۲۵ مرداد ۱۴۰۱ یک هواپیمای شرکت هوایی افغانستان که در مشهد گیر افتاده بود خواهان بازگشت به کابل شد. در آن زمان که طالبان به حکومت رسیده بودند کنترل فضای افغانستان به طور کامل در اختیار آمریکا بود و تنها فرودگاه فعال کشور افغانستان در پایگاه نظامی آمریکا در کابل بود. مقامات آمریکایی به شرطی به این هواپیما اجازه بازگشت به کابل دادند که هواپیما بدون مسافر از ایران به کابل برود. من که در این روز در مشهد بودم به عنوان خدمه پرواز با این هواپیما به کابل رفتم. چون بخش غیر نظامی فرودگاه کابل از کار افتاده بود و صدها هزار نفر از مردم فرودگاه و تاسیسات آنرا به اشغال درآورده بودند و سپس کل منطقه در محاصره آنها بود و نیروهای طالبان هم کنترل نظامی شهر را در اختیار داشتند. در آن زمان پرواز به افغانستان از طرف ایران نیز ممنوع شده بود که با هماهنگی با وزیر راه مجوز پرواز این هواپیما صادر شد. در کابل هواپیما مجبور به فرود در پایگاه نظامی آمریکا گردید و اکثر خدمه پرواز نیز به آمریکاییها پناهنده شدند. من مدت‌ها در پایگاه نظامی آمریکا منتظر بودم تا همکاران سفارت ایران در کابل بتوانند از جمعیت محاصره کننده فرودگاه عبور کنند و سپس با وسیله‌ای بتوانند وارد پایگاه نظامی آمریکا شوند و مرا از آنجا خارج سازند. نیروهای آمریکایی انچنان توسط شرایط غافلگیر شده بودند و درگیر نظم بخشیدن به صدها هزار کوچک و بزرگ تبعه افغانستان بودند که نمی‌توانستند حضور من و سایر ایرانی‌ها را متوجه باشند. من در این مدت شاهد صف‌های طولانی داوطلبان و تلاش نیروهای آمریکایی برای هدایت آنها به سمت هواپیماهایی بودم که یکی پس از دیگری در این پایگاه نظامی فرود می‌آمدند. چند روز بعد در همین فرودگاه انفجار انتحاری صدها نفر از انسان‌ها، شامل ۳۳ نفر از نیروهای نظامی آمریکایی را به خاک و خون کشید.

۹۵۰ نفر از شهروندان آمریکایی و ۶۰۰ نفر که موفق به دریافت اقامت دایم در آمریکا شدند نیز از افغانستان خارج گردیدند.^۱ با وجود این حجم گسترده تخلیه انسانی آمریکا ادعا می‌کند هنوز تعداد زیادی از اتباع آمریکایی و همچنین اتباع افغانستان که برای آمریکا کار کرده‌اند در افغانستان باقی مانده‌اند و در خطر هستند. در مارس ۲۰۲۳ آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا بیان داشت که هنوز تعداد ۱۷۵ نفر از اتباع آمریکا در افغانستان باقی مانده‌اند و همچنین بر اساس گزارش کنگره آمریکا در سال ۲۰۲۳ حدود ۱۵۰ هزار نفر از افغان‌هایی که در طول این سال‌ها در خدمت آمریکا بوده‌اند و در مرحله دریافت ویزای مهاجرت ویژه (SIV)^۲ هستند هنوز در افغانستان باقی مانده‌اند.

از سوی دیگر طالبان هنوز از لیست اعلانی گروه‌های هدف آمریکا در چارچوب مبارزه با گروه‌های تروریستی خارج نشده است. از سال ۲۰۱۲ دولت آمریکا شبکه حقانی (شامل بخش مهمی از مقامات طالبان) را به علت مشارکت فعال در حملات به نیروهای نظامی و غیر نظامی آمریکا و کشورهای غربی و روابط آنها با القاعده به عنوان یک سازمان تروریستی اعلان کرده است. همچنین بسیاری از رهبران این گروه به شمول سراج الدین حقانی (وزیر کشور کنونی دولت موقت طالبان) در لیست افرادی قرار دارند که آمریکا آنها را جزو لیست سیاه تروریست‌ها قرار داده و برای اخبار منجر به دستگیریشان جایزه‌های چند میلیون دلاری تعیین کرده است.^۳ طالبان هنوز در لیست اهداف احتمالی لایحه مجوز کنگره برای به کارگیری

1. Department Press Briefing – August 15, 2022 - United States Department of State <https://www.state.gov/briefings/departement-press-briefingaugust-15-2022/>; White House, “U.S. Withdrawal from Afghanistan,” April 6, 2023; Andrew Desiderio et al., “800 Americans evacuated from Afghanistan since Taliban takeover,” Politico, August 14, 2022

2. Special Immigrant Visa

این ویزا که دارای منافع اقتصادی از جمله محل سکونت و حقوق است فقط به کسانی اختصاص می‌یابد که در خدمت نیروهای امریکایی بوده باشند و یا خدمات ویژه برای منافع آمریکا انجام داده باشند. علاوه بر ۱۵۰ هزار نفر که هنوز این ویزا را دریافت نکرده‌اند حدود ۳۴۵۰۰ نفر از اتباع افغانستان قبلاً این ویزا را دریافت کرده‌اند. (SIV-۲۲۲)

۳. گروه حقانی به رهبری سراج الدین به شدت مورد توجه غرب بوده و آنها را به عنوان شبکه ای مخوف و مرموز و مسول بسیاری از عملیاتهای سنگین و مشهور علیه سفارتخانه های آمریکا و هند و هتل‌های محل اقامت غربیان، سرفرماندهی نیروهای ائتلاف (ایساف) و قصر ریاست جمهوری افغانستان عامل کشتن آمریاییها می‌دانند. سراج الدین در سال ۲۰۱۵ به عنوان معاون رییس طالبان معرفی شد و ایمن الظواهری رهبر القاده در سال ۲۰۲۲ در خانه او در کابل توسط پهپادهای امریکایی کشته شد.

https://www.dni.gov/nctc/groups/haqqani_network.html

https://www.reddit.com/r/AfghanConflict/comments/17q6p4h/biden_could_be_preparing_to_upgrade_ties_with_the/

نیروی نظامی^۱ قرار دارند. همچنین آمریکا طالبان و رهبران آنها را در لیست تحریم‌های سازمان ملل حفظ کرده است. لیستی که قرار است در دسامبر ۲۰۲۳ مورد بازنگری قرار بگیرد. دولت بایدن در سال ۲۰۲۳ در حال مذاکره با طالبان بر سر تحت فشار قراردادن این گروه برای کسب امتیازهایی برای تجدید نظر کلی در این موارد و حتی باز کردن دفتر دیپلماتیک در کابل است.

آمریکا با این سیاست چماق و هویج می‌کوشد ضمن کنترل طالبان، از سوق دادن طالبان منزوی به سمت چین و ایران جلوگیری نماید. مقامات طالبان دریافته‌اند که بدون کمک‌های بین‌المللی، اداره کشور و مقابله با حجم گسترده فاجعه فقر، گرسنگی و بحران‌های مالی، اقتصادی و انسانی کشور فلاکت زده به‌ویژه در شرایط تحریم و بلوکه شدن داراییهای کشور بسیار دشوار است. هر چند آمریکا تا حدی در این سیاست خود موفق بوده است ولی به دلایل مختلف اهرمهای در اختیار آمریکا نتوانسته است رفتار طالبان را کاملاً مطابق خواست آمریکا شکل دهد^۲. همچنین اعمال تحریم‌های اقتصادی و فشار بر مردم نیز نه تنها نتوانسته مردم را به قیام در برابر طالبان وادار سازد بلکه فشار بر اقشار آسیب‌پذیر افغانستان را مضاعف کرده است. این مساله شرایطی ایجاد کرده است که مقامات آمریکا به‌ویژه نمی‌توانند پاسخگوی پیامدهای اجتماعی و حقوق بشری سیاست‌هایشان در افغانستان باشند. مساله مدیریت کمک‌های بین‌المللی و بهره‌گیری از مشکلات متعدد و نیاز مردم افغانستان و به کارگیری این مساله به عنوان یک ابزار تاثیر گذار از مهمترین اجزای سیاست آمریکا بوده است (Qadam shah, 2023: 32). از ابتدای روی کار آمدن طالبان، این ایده به طور گسترده‌ای در محافل سیاست‌گذار غربی آمریکایی غالب بود که با فشارهای اقتصادی و از طریق مدیریت کمک‌های بین‌المللی می‌توان طالبان تضعیف شده را میانه رو کرد و وادار ساخت تا در سیاست‌های خود تغییر ایجاد نمایند. کمتر از دو هفته پس از روی کار آمدن طالبان وزیر خارجه آمریکا آنتونی بلینکن در مورد مساله مشوق‌ها و اهرم‌ها برای رژیم طالبان در مورد تخلیه اتباع خاص افغانستان که باید از کشور خارج شوند صحبت کرد و چند روز بعد رییس جمهور آمریکا در مورد به کارگیری اهرمهای اقتصادی در مسایل حقوق بشری در افغانستان تاکید

1. AUMF

۲. این مقاله دلایل عدم موثر بودن ابزار بین‌المللی برای تاثیر کامل بر رفتار آمریکا را بررسی کرده است.

<https://www.lawfaremedia.org/article/why-international-leverage-has-failed-with-the-taliban#:~:text=Generally%2C%20the%20Taliban%20neither%20expect,both%20corruption%20and%20external%20pressure.>

کرد.^۱ همچنین در لایحه تحریم طالبان مصوب سنای آمریکا در می ۲۰۲۳ نیز بهره‌گیری از اهرمهای اقتصادی مورد تاکید قرار گرفته شده است.^۲

این ایده به کارگیری تحریم‌ها و همچنین بهره‌گیری از کمک‌ها به‌عنوان یک ابزار فشار و مشروط‌سازی نیز همانند سایر سیاست‌های اعمالی آمریکا در منطقه و افغانستان، مجدداً نتیجه عدم شناخت صحیح این محافل از ساختار تصمیم‌گیری طالبان و مبالغه در تاثیر کمک‌های بین‌المللی بوده است. طالبان پس از شوک اولیه اقتصادی با اصلاح روشهای اقتصادی، کنترل نسبی فساد و اعمال مالیات‌های جدید و همچنین عدم تقبل هزینه‌های اقتصادی و انتقال فشارها به مردم توانسته فشارهای اقتصادی بر خود را مدیریت نماید.

یکی دیگر از دغدغه‌های اصلی طالبان نیز مساله شناسایی حاکمیت این گروه توسط سایر کشورها است. آمریکا کوشیده مساله شناسایی بین‌المللی طالبان را نیز کاملاً در کنترل خود بگیرد. آمریکا به شدت مراقب به رسمیت شناختن طالبان توسط کشورهای مختلف و به‌ویژه کشورهای عضو پیمان شانگهای است. همسایگان افغانستان عمدتاً از اعضای پیمان شانگهای هستند. آنها در اجلاس سران پیمان شانگهای در دوشنبه پایتخت تاجیکستان، سه شرط برای به رسمیت شناختن طالبان اعلان کردند: تشکیل دولت فراگیر، مسایل حقوق بشر و کنترل گروههای تروریستی. آمریکا به شدت نگران نفوذ فزاینده چین در افغانستان است. علاوه بر مسایل اقتصادی، چین روابط نزدیک امنیتی با طالبان در تقابل با نهضت اسلامی ترکستان شرقی دارد.

تقابل طالبان با داعش خراسان از موارد مورد توافق و همکاری با آمریکا است و آمریکا با تحویل عکسهای ماهواره‌ای به طالبان امکان تقابل عملیاتی طالبان با داعش را تسهیل می‌کند. آمریکا در فوریه ۲۰۲۲ جایزه‌ای برای اطلاعات مربوط به افرادی که در حادثه فرودگاه کابل در اوت ۲۰۲۱ دست داشتند تعیین کرد. در این حادثه علاوه بر کشتن صدها غیرنظامی افغان حدود سی تن از نیروهای آمریکایی نیز کشته شدند (Thomas, 2023: 26). در آوریل ۲۰۲۲ کاخ سفید اعلان نمود که طالبان رهبر داعشی مسول عملیات تروریستی در فرودگاه کابل را کشته است (Demirjian, 2023). یکی دیگر از نگرانی‌های آمریکا پیوندهای طالبان با گروه القاعده بوده

1. <https://www.lawfaremedia.org/article/why-international-leverage-has-failed-with-the-taliban#:~:text=Generally%2C%20the%20Taliban%20neither%20expect,both%20corruption%20and%20external%20pressure>
2. 05-31-23 Taliban Sanctions Act (senate.gov)

است. اشغال افغانستان در سال ۲۰۰۱ توسط آمریکا با ادعای حضور القاعده در افغانستان بود. گفته می‌شود که طالبان در توافقات خود به آمریکا تعهد داده است که با گروه‌هایی همانند القاعده اجازه فعالیت در افغانستان و به کارگیر خاک افغانستان علیه سایر کشورها ندهد. گزارش ادواری چهاردهم شورای امنیت سازمان ملل در ژوئن ۲۰۲۳ بیان می‌دارد که القاعده توان عملیاتی بسیار محدودی در افغانستان دارد و رهبری این گروه در افغانستان اهمیت بسیار اندکی دارد.^۱ کشتن رهبر القاعده ایمن الظواهری توسط پهپادهای آمریکا در کابل در سال ۲۰۲۲ یکی دیگر از عرصه‌های همکاری امنیتی طالبان و آمریکا محسوب می‌گردد. همچنین آمریکا برای تسلیم کردن شیخ حکیم المصری رهبر فعلی القاعده به طالبان فشار می‌آورد. هر چند به نظر میرسد طالبان این اقدام را منوط به بازگشایی‌های بیشتر کرده‌اند. در اکتبر سال ۲۰۲۲ بشیر نورزای از قاچاقچیان مواد مخدر حامی طالبان که در آمریکا زندانی بود آزاد شد و در عوض یک زندانی آمریکایی نیز توسط طالبان آزاد گردید.

آمریکا همچنین درخواست دارد تا نیروهای اطلاعاتی آمریکا در کابل حاضر شوند. البته طالبان این مساله را در چارچوب بازگشایی سفارت آمریکا در کابل می‌پذیرد. هر چند آمریکا هنوز در مرحله بازگشایی سفارت خود در کابل و فرستادن پیام شناسایی نیست. به نظر می‌رسد نخست وزیر قطر در دیدار با هیئت الله آخندزاده رهبر طالبان در ۲۰۲۳ این مساله را نیز به نیابت آمریکا پیگیری کرده است. همچنین پس از دو سال برای نخستین بار مقامات بلند رتبه طالبان و مقامات آمریکایی در جولای سال ۲۰۲۳ در دوحه مجددا دیدار کردند.^۲

توسعه روابط آمریکا و طالبان با موانعی روبرو است: مخالفت رهبر طالبان، مسایل ایدیولوژیک، گروه‌های تندرو، دشواری توجیه مردم و نیروهای عادی طالبان که سال‌ها با آمریکا جنگیده‌اند، بهره‌گیری مخالفین که سال‌ها طالبان آنها را دست‌نشانده آمریکا می‌نامید موانع با منشا افغانستان است. (Ibrahimi, 2022: 810) در آمریکا نیز مخالفت‌های داخلی و مسایل حقوق بشری مانع مهمی است. به علت خروج آمریکا از افغانستان امروزه مسایل دیگری همانند

1. U.N. Security Council, Fourteenth report of the Analytical Support and Sanctions Monitoring Team submitted pursuant to resolution 2665 (2022) concerning the Taliban and other associated individuals and entities constituting a threat to the peace, stability, and security of Afghanistan, S/2023/370, released June 2023

2. Taliban, US hold first official talks since Afghanistan takeover | Taliban News | Al Jazeera

مساله اکراین و مساله غزه در صدر توجهات قرار گرفته و افغانستان از اولویت خارج شده و به مساله رده چندم تبدیل شده است. البته لابی دیاسپورای افغانستان در واشنگتن می‌کوشد با زنده نگاه داشتن نگرانی از تحولات ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و به‌ویژه بهره‌گیری ایران و چین و سایر دغدغه‌های آمریکا همانند مساله حقوق بشری و مساله زنان سیاست آمریکا را در جهت منافع خود شکل دهند.

پیامدهای توافقنامه آمریکا با طالبان

توافق آمریکا با طالبان و عقب‌نشینی نیروهای آمریکایی از افغانستان و حکومت مجدد طالبان پیامدهای گسترده‌ای در منطقه داشته است. پاکستان در طول دهه‌های گذشته به طور کامل از طالبان حمایت می‌کرده است و در سال ۱۹۹۷ (به همراه عربستان سعودی و امارات متحده عربی) جزو تنها سه کشوری بود که حکومت طالبان را به رسمیت شناخت. پاکستان از سویی پایگاه اصلی آمریکا در منطقه محسوب می‌شود و حمایت‌های گسترده‌ای از آمریکا دریافت می‌کرد و همزمان پایگاه اصلی طالبانی بود که در حال جنگ با آمریکایی‌ها بودند. اغلب طلاب مدارس مذهبی در شهرهای پاکستان بودند که علاوه بر تعلیمات مذهبی در پاکستان آموزش‌های نظامی دریافت می‌کردند و تحت حمایت مقامات پاکستانی به‌ویژه دستگاه بسیار حرفه‌ای اطلاعات پاکستان^۱ بودند. با توجه به بازی بسیار پیچیده پاکستان در این چارچوب به نظر می‌رسد که حکومت طالبان به معنای پیروزی گسترده پاکستان در تعاملات منطقه می‌باشد. پاکستان به طور همزمان چندین هدف را از حمایت از طالبان دنبال می‌کرد. این اهداف عبارت بودند از: قطع نفوذ هند در افغانستان و تبدیل افغانستان به منطقه تحت نفوذ خود، منصرف کردن مقامات و مردم افغانستان از ادعاهای خود در مورد خط مرزی دیوراند و به رسمیت شناختن حاکمیت پاکستان بر مناطق مورد ادعا، تضعیف و کنترل خطر تحریک طالبان پاکستان و بهره‌گیری از امتیازات اقتصادی و تجاری در افغانستان. پاکستان انتظار داشت با امضای توافق آمریکا با طالبان و قدرت‌گیری مجدد طالبان در افغانستان به این اهداف مهم برسد و نقش موثری در توافق دو طرف ایفا نمود (Ullah, 2023: 24). در روزهای نخستین به حکومت رسیدن مجدد طالبان در افغانستان در سال ۲۰۲۱، اغلب تحلیلگران بازنده منطقه‌ای اصلی این تحول را هند قلمداد می‌کردند. هند که در طول بیست سال جمهوریت سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در افغانستان انجام داد بود و به

1. Inter-Services Intelligence agency (ISI)

محبوبترین و با نفوذترین کشور در افغانستان تبدیل شده بود به ناگاه و با حاکمیت طالبان تمام سرمایه خود را از دست داد و ناچار به فرار از افغانستان گردید. مانورهای مقامات امنیتی پاکستان در روزهای ابتدای حاکمیت طالبان از جمله سفر رییس دستگاه ISI پاکستان که گفته می‌شد برای تعیین کابینه طالبان بوده است، نوعی قدرت نمایی در برابر هند هم محسوب می‌گردید با وجود این مسایل اما امروز و پس از دو سال می‌توان گفت کشور پاکستان که خود از اصلی‌ترین حامیان و پایگاه‌های طالبان در طول بیست سال گذشته محسوب می‌شد بیشترین آسیب‌ها را از این ناحیه متحمل شده است (Singh, 2023). مقامات طالبان به هیچ‌وجه در برابر ادعاهای قبلی در مورد خط دیوراند سازش نکردند، اختلاف‌ها، درگیری‌ها و تنش‌های مرزی به شکل بی‌سابقه‌ای گسترش یافت، تحریک طالبان پاکستان با قدرت و گستردگی بیشتر در اقدامات ضد دولت پاکستان را ادامه داد و مقامات پاکستان طالبان افغانستان را حامی اصلی آنها معرفی کرد، هند مجوز تکمیل پروژه‌های خود در افغانستان را به دست آورد و روابط اقتصادی پاکستان و افغانستان با تنش‌های متعددی روبرو شد همچنین پاکستان هنوز نتوانسته است ارزش‌های خود بر مرتب شدن به آسیای مرکزی از طریق افغانستان را تحقق بخشد (Ullah, 2023: 25).

وضعیت پیش رو

آمریکا دریافته است که جریان‌های مخالف طالبان که عمدتاً مقامات دولت قبل و بخشی از باندهای قدرت و فساد وابسته به آمریکا هستند دست کم در کوتاه مدت، به دلیل نداشتن پایگاه مردمی نمیتوانند تاثیری در صحنه سیاسی افغانستان داشته باشند. آمریکا و یا کشور دیگری هم قصد و توان ورود نظامی و ایجاد تغییر در افغانستان ندارد. بنابراین آمریکا کوشیده است با گروگان گرفتن مردم افغانستان بتواند تاثیر خود در صحنه افغانستان را حفظ نماید. آنها از تمایل طالبان به قدرت‌های رقیب آمریکا به شدت در هراس هستند و می‌کوشند اجازه ندهند این کابوس محقق گردد. آنها با سیاست چماق و هویج از طرفی طالبان و افغانستان را تحت تحریم‌های شدید قرار داده‌اند و پول‌های افغانستان را بلوکه کرده‌اند و با کنترل به رسمیت شناخته شدن طالبان و با کنترل بسط روابط خارجی می‌کوشند آنها را محدود سازند و از طرف دیگر با تزریق قطره چکانی پول از فروپاشی اقتصاد افغانستان پیشگیری می‌کنند و همانگونه که در متن مقاله نیز توضیح داده شد می‌کوشند با داشتن نوعی روابط امنیتی بر طالبان تاثیر بگذارند. سیاست پیچیده آمریکا در برابر افغانستان طالبانی ترکیبی از ممانعت از عادی‌سازی طالبان، تحمیل هزینه به همسایگان به‌ویژه

ایران، چین و روسیه، حفظ روابط خود در سطح اشتغال سطح پایین همانند تبادل زندانیان، عبور همکاران افغان آمریکا، کمک به زنان و کودکان، کمک به زلزله زدگان و البته مقابله با تروریسم است و همچنین می‌کوشند روابط سایر بازیگران را کنترل نمایند.

نتیجه‌گیری

در طول بیش از بیست سال آمریکا بازیگر اصلی در کشور همسایه ایران بود و یکی از اهداف آمریکا از حجم گسترده سرمایه‌گذاری و هزینه در افغانستان تقابل با جمهوری اسلامی ایران بوده است. روند امور مطلوب آمریکا پیش نرفت و این کشور با افتضاح و سرافکنندگی مجبور به تخلیه افغانستان شد و کشور در اختیار گروهی قرار گرفت که آمریکا بیست سال به بهانه تقابل با آنها هزینه‌های سهمگینی را به مردم خود، مردم افغانستان و منطقه تحمیل کرده بود. هنوز نیز با آنکه آمریکا شکست خود را پذیرفته و افغانستان را ترک کرده ولی می‌کوشد ابزار تاثیرگذاری در افغانستان را در کنترل خود نگاه دارد.

امروز افغانستان در آستانه یک نقطه عطف تاریخی قرار دارد. خروج نیروهای خارجی می‌تواند به یک فرصت استثنایی برای مردم آن کشور و همچنین منطقه تبدیل گردد. حکومت طالبان ولی خود یک مشکل عمده محسوب می‌گردد. حکام کنونی افغانستان باید در عمل ثابت کنند که میتوانند با مشارکت دادن همه اقوام و مردم افغانستان از طریق یک حکومت مشارکتی می‌توانند مصایب مردم را درمان کنند. بیرون بردن افغانستان از چرخه تکرار شونده جنگ، کشمکش و مشکلات قومی نیاز به تغییرات بنیادین دارد. پنج دهه تنش و بحران که نتیجه دخالت خارجی‌ها و مشکلات رهبران افغانستان بوده است بار هولناکی بر دوش مردم افغانستان و همچنین کشورهای منطقه و به‌ویژه ایران گذاشته است. باید با پایان رساندن نگاه محدودنگرانه و قوم‌مدارانه و یاری گرفتن از منطقه این مشکلات به پایان رسد. مشکلات افغانستان با بهره‌گیری از توان داخلی افغانستان قابل حل می‌باشد و تا زمانی که این مشکلات به صورت ریشه‌ای حل نشود مردم افغانستان و مردم و کشورهای منطقه باید هزینه‌های سنگینی بپردازند. تا رسیدن به این وضعیت راهی طولانی در پیش است. جمهوری اسلامی ایران نیز رسالت بزرگی در این چارچوب بردوش دارد و می‌تواند تهدیدات عظیم این عرصه را به فرصت تبدیل نماید. این مساله به فرصت مستقلی نیاز دارد که نگارنده آن بحث را در مقاله مستقلی که در حال چاپ می‌باشد طرح نموده است.

فهرست منابع

منابع فارسی:

- آجیلی، هادی، و رضایی، نیما. (۱۳۹۷). رئالیسم تدافعی و تهاجمی (چارچوبی تئوریک برای تحلیل وقایع و رخدادهای حوزه خلیج فارس). امنیت ملی، ۸(۲۷)، ۱۶۵-۱۹۸
- بلخی، میرویس (۱۳۹۹). ملت‌سازی آمریکایی: مقایسه عراق و افغانستان، کابل: انتشارات موسسه تحصیلات عالی افغانستان
- داینز، جیمز، ۱۳۹۶. پس از طالبان: ملت‌سازی در افغانستان، ترجمه عارف سحر. کابل: انتشارات مقصودی
- روشنگر، اسماعیل. (۱۳۹۶). استراتژی نظامی آمریکا در افغانستان پسا طالبان. کابل: انتشارات عازم
- فاضلیار، فضل الرحمن، ۱۳۹۵. جامعه جهانی و دولت ملت‌سازی در افغانستان، کابل: انتشارات سرور سعادت
- فتحی، فرحناز. (۱۳۹۹). بررسی و تحلیل بایسته‌های رئالیسم تهاجمی با نگاه تطبیقی نظریه نو واقع‌گرایی. قانون یار، ۴(۱۵)، ۸۲۳
- متقی، ابراهیم، بقایی، خرم، و رحیمی، میثم. (۱۳۸۹). بررسی سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه پس از ۱۱ سپتامبر (بر اساس رویکرد واقع‌گرایی تهاجمی). تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۲(۴)، ۱-۲۵.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۸). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت
- میرشایمر، جان (۱۳۸۸). ترازوی سیاست قدرت‌های بزرگ، ترجمه غلامعلی چگینی زاده، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- نذیری، مجتبی مسیح (۱۳۹۸)، روابط آمریکا و افغانستان. کابل: انتشارات نویسا
- نوروزی، مجتبی (۱۴۰۰). دولت - ملت‌سازی در افغانستان، تهران، انتشارات کلکین
- ویتلاک، کریگ (۱۴۰۱). اسناد افغانستان: تاریخ سری جنگ. ترجمه حمید هاشمی کهندانی، تهران: انتشارات کوله پشته
- وایت لاک، کریگ (۱۴۰۲). جنگ پنهان. ترجمه ثریا عبدخدایی، تهران: انتشارات ایران
- هستینگز، مایکل (۱۴۰۱). ژنرال‌ها: پشت پرده جنگ آمریکا در افغانستان، ترجمه آتنا شیخ، تهران: انتشارات ثالث

منابع انگلیسی:

- Demirjian (2023) Karoun and Eric Schmitt, "Taliban kill head of ISIS cell that bombed Kabul airport," New York Times, April 25, 2023
- Ibrahimi, N. and Farasoo, A., 2022. Understanding Shifts in US Policies towards the Taliban: A Critical Analysis. Millennium, 50(3), pp.810-838.
- Qadam Shah, Mohammad and Rosenbaum, Stephen A(2023)., Development Disrupted: The Case of Afghanistan Taliban 2.0 and Lessons Learned About Foreign Aid Management (May 20, 2023). 32 Washington International Law Journal 207 (2023),
- Singh, B., Bawa, J., Singh, B. and Singh, S.(2023) Unraveling The Aftermath: How The US-Taliban Deal Impacted Pakistan's Security Landscape-Analysis. Eurasia Review

- Snider, J., 2022. Taliban 2.0 and US National Security Policy in Afghanistan. *Journal of Asian Security and International Affairs*, 9(3)
- SIGAR, "Quarterly Report to the United States Congress," April 30, 2023.
- Thomas, C., 2023. Afghanistan: background and US Policy. *Congressional research service*, 10,
- Verma, R., 2022. US–Taliban peace deal and regional powers as potential spoilers: Iran as a case study. *International Politics*, 59(2)
- 1Thomas, C., 2023. Afghanistan: background and US Policy. *Congressional research service*
- Ullah, A., 2023. Taliban's Government in Afghanistan and the Dilemmas of Pakistan. *FWU Journal of Social Sciences*, 17(2).

سایت‌های اینترنتی:

- <https://www.bloomberg.com/news/articles/2014-04-29/afghanistan-corruption-fostered-by-u-s-pentagon-found>
- 1<https://watson.brown.edu/costsofwar/figures/2021/human-and-budgetary-costs-date-us-war-afghanistan-2001-2022>
- <https://epc.ae/en/details/featured/the-us-taliban-relations-interests-challenges-and-prospects>
- 1<https://nationalinterest.org/blog/middle-east-watch/america-cant-solve-afghanistans-corruption-problems-52977>
- <https://www.bloomberg.com/news/articles/2016-09-14/afghanistan-s-corruption-corrodes-efforts-by-u-s-watchdog-says>
- <https://www.irna.ir/news/84460881>
- <https://www.farsnews.ir/en/news/14000613000227/Repr-Washingn%27s-20-Years-f-Wars-n-Terr-Cs-%24-Trillin-929-000-Lives>
- https://www.dni.gov/nctc/groups/haqqani_network.html
- https://www.reddit.com/r/AfghanConflict/comments/17q6p4h/biden_could_be_preparing_to_upgrade_ties_with_the/
- Department Press Briefing – August 15, 2022 - United States Department of State
- <https://www.state.gov/briefings/department-press-briefingaugust-15-2022/>; White House, "U.S. Withdrawal from Afghanistan," April 6, 2023; Andrew Desiderio et al., "800 Americans evacuated from Afghanistan since Taliban takeover," Politico, August 14, 2022
- 1 <https://www.state.gov/briefings/department-press-briefingaugust-15-2022/>; White House, "U.S. Withdrawal from Afghanistan," April 6, 2023
- <https://www.congress.gov/107/plaws/publ40/PLAW-107publ40.pdf>
- <https://www.bbc.com/persian/afghanistan-50722928>
- <https://www.aa.com.tr/fa/%D8%A7%D9%81%D8%BA%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D8%B1%D8%A7%D8%AA-%DA%A9%D8%B4%D8%AA%D9%87-%D8%B4%D8%AF%D9%86-5-%D8%AF%DB%8C%D9%BE%D9%84%D9%85%D8%A7%D8%AA-%D8%AE%D9%88%D8%AF-%D8%AF%D8%B1-%D8%A7%D9%81%D8%BA%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86-%D8%B1%D8%A7-%D8%AA%D8%A7%DB%8C%DB%8C%D8%AF-%DA%A9%D8%B1%D8%AF/724704>
- <http://irdiplomacy.ir/fa/news/1967115/%D9%85%D8%B1%DA%AF-%D8%B3%D9%81%DB%8C%D8%B1-%D8%A7%D9%85%D8%A7%D8%B1%D8%A7%D8%AA-%D8%AF%D8%B1-%D8%A7%D9%81%D8%BA%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86>
- <https://www.congress.gov/107/plaws/publ40/PLAW-107publ40.pdf>

https://www.dni.gov/nctc/groups/haqqani_network.html
https://www.reddit.com/r/AfghanConflict/comments/17q6p4h/biden_could_be_preparing_to_upgrade_ties_with_the/
<https://www.lawfaremedia.org/article/why-international-leverage-has-failed-with-the-taliban#:~:text=Generally%2C%20the%20Taliban%20neither%20expect,both%20corruption%20and%20external%20pressure.>
<https://ssrn.com/abstract=4555653>
<https://www.congress.gov/107/plaws/publ40/PLAW-107publ40.pdf>
https://www.dni.gov/nctc/groups/haqqani_network.html
https://www.reddit.com/r/AfghanConflict/comments/17q6p4h/biden_could_be_preparing_to_upgrade_ties_with_the/
<https://www.lawfaremedia.org/article/why-international-leverage-has-failed-with-the-taliban#:~:text=Generally%2C%20the%20Taliban%20neither%20expect,both%20corruption%20and%20external%20pressure.>

